

Because

به معنی 'چون'، برای اینکه 'برای بیان علت یک واقعه به کار می رود.

Mary can't come to the party, **because** she is ill.

ماری نمی تواند به میهمانی بیاید چون مریض است.

I decided to go with them, **because** I had nothing better to do.

تصمیم گرفتم با آن ها برم چون کار بهتری برای انجام دادن نداشتم.

می توانیم بعد از **because** به جای جمله، از یک عبارت اسمی استفاده کنیم که در این صورت **because** تبدیل به **because of** می شود. نمونه های زیر را با هم مقایسه کنید.

We can't play football, **because** it's raining.

نمی توانیم فوتبال بازی کنیم، چون باران می بارد.

We can't play football, **because of** the rain.

به خاطر باران نمی توانیم فوتبال بازی کنیم.

We can't play football, **because of** the raining.

به خاطر بارش باران نمی توانیم فوتبال بازی کنیم.



Whether

(a) به معنی 'چه این ... چه آن' وقتی بکار می رود که نتیجه ی دو چیز یکسان باشد. Whether واژه ی ربط شرطی است و در این حالت همیشه به دنبال آن or قرار می گیرد.

I'm leaving, **whether** you stay **or** not.

Whether or not you stay, I'm leaving.

چه بمانی چه نمائی من می روم.

Whether you like it **or** not, you'll have to change your lifestyle.

Whether or not you like it, you'll have to change your lifestyle.

چه دوست داشته باشی چه نداشته باشی مجبوری شیوه ی زندگی ات را عوض کنی.

(b) به معنی 'که ... آیا' وقتی بکار می رود که نتیجه ی مثبت و منفی یک واقعه مد نظر باشد. در این حالت نیز همیشه به دنبال آن or قرار می گیرد.

I didn't know **whether** to believe him **or** not.

I didn't know **whether or** not to believe him.

نمی دانستم حرفش را باور کنم یا نه.

I'll ask him **whether** he'll take his car **or** not.

I'll ask him **whether or** not he'll take his car.

از او خواهم پرسید که آیا ماشینش را خواهد آورد یا نه.

در جملات بالا می توان or not را حذف کرد.

I didn't know **whether** to believe him.

I'll ask him **whether** he'll take his car.

Since

(a) به معنی 'چون'، از آنجاییکه 'مانند because و as بیانگر علت است.

We decided to go to the beach **since** it was a nice day.

چون/از آنجاییکه هوا خوب بود تصمیم گرفتیم به ساحل برویم.

Since Barbara is no longer my wife, I'm no longer responsible for her debts.

چون / از آنجاییکه باربارا دیگر همسر من نیست، من مسؤول بدهی او نیستم.

(b) به معنی 'از زمانیکه' وقتی بکار می رود که بخواهیم ابتدای زمانی را که یک واقعه شروع شده، بیان کنیم.

The factory is here **since** 1970s

Since 1970s, the factory is here.

کارخانه از ده ی ۷۰ میلادی اینجا است.

I haven't played rugby **since** I left university.

Since I left university, I haven't played rugby.

از زمانیکه که دانشگاه را ترک کرده ام راگبی بازی نکرده ام.

Since I was a boy, there have been many changes around here.

There have been many changes around here, **since** I was a boy.

از زمانیکه من بچه بودم تا الان، اینجا تغییرات زیادی کرده است.

نکات.....



از میان مطالب گفته شده تاکنون چیزی که بیشتر احتمال اشتباه در آن وجود دارد تفاوت های **when** و **as** است . در اینجا با چند نکته آشنا می شویم.

(۱) اگر دو واقعه همزمان یا با فاصله ی زمانی کوتاه انجام شده باشند هم می توان از **when** و هم از **as** استفاده کرد ولی اگر بین دو واقعه فاصله ی زمانی وجود داشته باشد فقط از **when** استفاده می کنیم . دو نمونه ی زیر را با هم مرور می کنیم.

As I was leaving, the phone rang.

When I was leaving, the phone rang.

وقتی داشتم می رفتم، تلفن زنگ خورد. (همزمان)

When we got home, we started cooking the dinner.

وقتی به خانه رسیدیم شروع به پختن شام کردیم. (پختن با فاصله ی زمانی از رسیدن رخ داده است در اینجا **as** درست نیست)

۲) اگر دو واقعه همزمان با یکدیگر در مدت زمان کوتاه یا بلند ادامه داشتند فقط از **as** استفاده می شود در این حالت هر دو فعل یکسان است.

As we walked home, we talked about dinner.

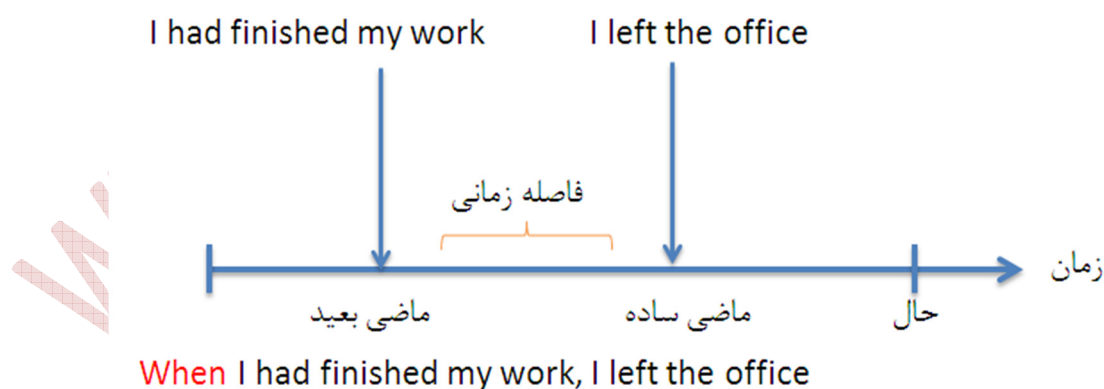
وقتی به سمت خانه قدم می زدیم در مورد شام صحبت کردیم. (قدم زدن و صحبت کردن همزمان ادامه دارند)

۳) در صورتی که دو جمله که یکی ماضی ساده (... , talked, went, walked) و دیگری ماضی بعید (... , had talked, had gone, had walked) باشند از **when** استفاده می کنیم چون در این صورت دو کار با فاصله ی زمانی انجام شده اند.

When I had finished my work, I left the office.

I left the office **when** I had finished my work.

وقتی دفتر کار را ترک کردم، کارم را تمام کرده بودم.



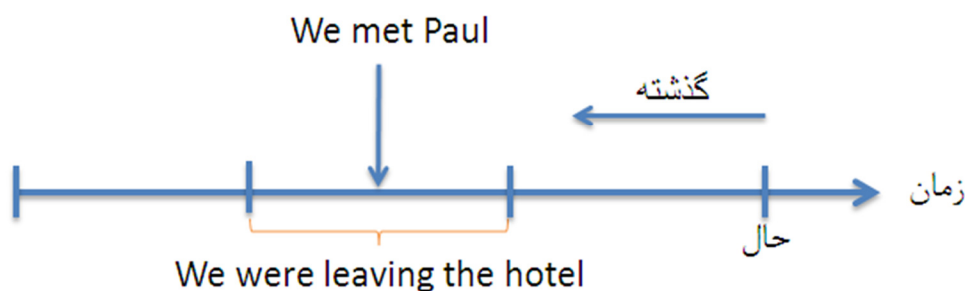
۴) در صورتی که دو جمله که یکی ماضی ساده (... , talked, went, walked) و دیگری ماضی استمراری (... , was/were talking, was/were going, was/were walking) باشند از **as** استفاده می کنیم چون در این صورت دو کار هم زمان انجام شده اند.

We met Paul **as** we were leaving the hotel.

As we were leaving the hotel, we met Paul.

وقتی داشتیم از هتل خارج می شدیم، پاول را دیدیم.

We met Paul **as** we were leaving the hotel.



۵) در صورتی که دو جمله که یکی ماضی ساده (talked, went, walked, ...) و دیگری ماضی استمراری (was/were talking, was/were going, was/were walking, ...) در یک زمان رخ داده باشند، بر سر فعل ماضی استمراری از **as** و بر سر فعل ماضی ساده از **when** استفاده می کنیم.

My father was repairing the car **when** I called him.

وقتی به پدرم زنگ زدم، او داشت ماشین را تعمیر می کرد.

I called my father **as** he was repairing the car.

وقتی پدرم داشت ماشین را تعمیر می کرد به او زنگ زدم.

۶) برای وقایعی که همیشه یا به طور معمول اتفاق می افتند از **when** یا **whenever** به معنی 'هر موقع' استفاده می شود.

Martin doesn't wear his glasses **when** he is out of class.

مارتین وقتی در کلاس نیست عینکش را نمی زند.

۷) اگر بخواهیم بر همزمان بودن دو واقعه تاکید کنیم از واژه **just** قبل از واژه ربط استفاده می کنیم در این صورت معنی آن 'درست زمانیکه' است و ترجیحا از **Just as** استفاده می کنیم ولی از **Just when** هم می توان استفاده کرد.

The lights went off **just as/just when** I opened the door.

درست زمانی که در را باز کردم برق قطع شد.

۸) برای بیان واقعه ای که در دوره ای خاص از تاریخ یا زندگی کسی اتفاق افتاده از **when** استفاده می کنیم.

My grandfather was killed **when** Germany was at war with Russia.

پدربزرگم وقتی آلمان با روسیه در جنگ بود کشته شد.

I first travelled to France **when** I was 17.

اولین بار وقتی ۱۷ ساله بودم به فرانسه سفر کردم.

تا درس بعدی، خدا نگهدار...